

پر توفعی!

لیس للانسان الامامی
(قرآن مجید)

* پیشرفت‌های بشری وابسته بچه عاملی است؟

* تن پروری طبقه حیوان

* توقع بیجا یا خطرناکترین عامل تخریبی اجتماع

پیشرفت‌های بشری وابسته بچه عاملی است؟

زندگی در عصر کنونی با گذشته فرقی فاحشی نموده است. در زمان‌های سابق چندان توجهی بوقت و زمان نمیدادند؛ ولی زندگی ماشینی امروزه بر میزان فعالیتها و تلاشهای بشری افزوده است.

روی همین نظر دقایق زمان برای بشر کنونی ارزش حیاتی دارد؛ اصل حاضر با استعدادهای نهفته بی‌پسوست، و تازه می‌فهمد که چه ذخائر گرانبهائی از نظر نیروهای فکری و معنوی در وجود او بویست گدازده شده است.

لذا با ولع و حرص ب فکر استفاده چوآن برآمده و با تمام قوا بحیثیت وسیع درآمدده است. تا مبادا در اثر تنبلی و اندک مسامحه از قافله تمدن عقبمانده.

از این مقدمه میتوان بدست آورد که هر ملت پستکار و میزبان فعالیتش بیشتر باشد؛ موفقیت و پیشرفت آن قطعی تر خواهد بود.

درممالک مترقی برای اینکه باین خواست خود لباس تحقق ببوشانند، بر نامه‌های تربیتی را ملووری تنظیم نموده اند که کودک از همان آغاز، اهل فعالیت و کار بوده از ولگردی و تن پروری بیزار است؛ - بر نامه‌های تربیتی مطابق ذوق و خواسته کودک کان طرح میگردد بدون آنکه

تحصیلی بر آنان شده باشد؛ در چنین کشورهایی کار کردن عیب و عار نیست بسیاری از جوانانی که فاقد هزینه زندگی هستند و ضمناً بتحصیلات ادامه میدهند؛ مخارج خود را از راه کارهای شبانه تبه مینمایند - بدیهی است جوانی که از اول بکار و کوشش عادت کرده باشد خواهی فتواهی موجودی فعال و پرکار بار آمده از مستی و تنبلی برکنار خواهد بود.

تن پروری طبقه حیوان

ولی متأسفانه در محیط زندگی ما هنوز کار و کوشش ارزش واقعی خود را بدست نیاورده است طبقه حیوان که میبایستی در این مرحله از همه جلوتر باشد از کار و کوشش گریزان بوده، ارزشی برای آن قائل نیست؛ تمام هدف طبقه حیوان اینست که بوسیله تحصیلات مدرکی بدست آورده در سایه مدارک تحصیلی روی صندلی اداره بچاده هزینه زندگی خود را از این راه تأمین سازد؛ فقط عده نادری هستند که تحصیلات را برای بدست آوردن معاش زندگی دنبال نکرده بلکه دارای هدفی عالیهتری میباشند ولی وضع نوعی جوانان این آب و خاک برخلاف این رویه بوده عملاً از فعالیت و کوشش فراری هستند و این گروه از جوانان بر آن اینککه معادله‌ای میان مخارج و درآمد خود برقرار سازند؛ از بیمودن یکی از این دو راه ناگزیرند؛

یا باید اساس زندگی خود را بر پایه غیر استواری گذارده روی منطق‌های غلط اجتماعی بهر زلت و خسارتی تن در داده موجودی متوقع بار آمده باشند؛ این گونه افراد در حل مشکلات زندگی مجبورند بشاخصا توقع بیشتر بهره‌دانه تا بکار و کوشش.

و اما بار دوم که از راه اول زنده تر است که از اصول راستی و درستی گذشته بافاده از کمال فعالیت انسانی برآمده نامشروع از قبیل اختلاس و رشوه و غیره قدم نهاده از این راه کسب هزینه زندگی را تأمین سازند.

نتیجه مشترکی که از بیمودن این دو راه عاید اجتماع ما میگردانست که نوعاً از انجام وظایف گریزان بوده بانواع رذائل اخلاقی آشنا خواهند شد.



توقع بیجا یا خطرناکترین عامل تخریبی اجتماع.

اندک مطالعه در امور اجتماعی، این حقیقت را بر ما آشکار میسازد که یکی از زیان آورترین بیسیاری‌های روحی که در میان افراد اجتماع رواج دارد؛ پر توفعی است؛ شاید در هیچ کجای دنیا اینقدر توقع وجود نداشته باشد؛ بدون مبالغه شاید بومان مقداری که در ممالک